



۱۰ دقیقه

زبان انگلیسی در گذر زمان

علمه نظریه حقیقه

پرویس فارابی دانشکاه تهران



برای رسیدن به اصل مطلب باید مقدمه‌ای از بریتانیا و به تبع آن انگلیس را مطرح کنم. در دوران بسیار باستانی بیش‌تر مردم کلت در جای جای بریتانیا ساکن بودند. کلت‌ها مردمی قبیله‌ای بودند و به کشاورزی و تجارت با بخش اصلی اروپا نیز ارتباط داشتند. این مردم وحدت نداشتند ولی زبان مشترک (کلتی) و فرهنگ یکسان داشتند. با گسترش توسعه طلبی روم، جنوب بریتانیا مغلوب روم شد و در این مناطق رومیان مستقر

و خواندن آن نیز از بسیاری جهات راحت‌تر است. گوناگونی فراوان واژگان و تغییرات اساسی که از آغاز آورده‌شدن این زبان به جنوب بریتانیا (که امروز این منطقه را انگلیس می‌خوانیمش)، بسیار بوده. این حد تحول و چندگانگی در یک زبان بسیار غیرطبیعی است. از مهمترین عوامل این تغییرات طی نبردی شکل گرفت که پس از آن نه تنها زبان، بلکه ساختار اجتماعی انگلستان برای همیشه تغییر یافت.

در این نوشتار سعی در بررسی چرایی تحول عظیمی که در زبان انگلیسی رخ داد، دارم. در حال حاضر، اکثریت مردم جهان با این زبان آشنایی زیادی دارند و اگر غیر این باشد دست کم اطلاعاتی چند از آن دارند. این زبان امروزه زبانی شده که افراد جهان برای مکالمات خود برمی‌گزینند و تا حدودی هم انتخاب آن بسیار هوشمندانه‌تر از سایر زبان‌های اروپایی بوده؛ چراکه از بسیاری جهات ساده‌فهم‌تر است و صحبت کردن

فرهنگ آنگلساکسونی گرایش یافتند و اینجاست که زبان انگلیسی قدیمی در انگلیس حاکم شد. آنگلساکسون‌ها یک حکومت اصلی نداشتند. چند پادشاهی بودند که اهمیت بیش‌تری داشتند، عبارتند از کنت،

وسکس، انگلیای شرقی، نورثومبریا و مرسیا. این‌ها قدرت‌هایی شدند که پادشاهی‌های کوچک‌تر را تسخیر کردند. در قرن هفتم، آنگلساکسون‌ها به مسیحیت گرویدند و این‌گونه ارتباط بیش‌تری با اروپایی‌ها برقرار کردند. این دوره فرهنگ آنگلساکسون بسیار بارور شد و زبان انگلیسی کهن نیز در بین اشراف و رعایا مورد استفاده قرار می‌گرفت. زبانی که از گروه زبان‌های ژرمنیک محسوب می‌شد و در مطالعه آن مشابهت‌هایی با زبان‌هایی چون آلمانی و هلندی مشاهده می‌شود. آنگلساکسون‌ها خود بعدتر توسط وایکینگ‌ها تحت حمله قرار گرفتند. عدم اتحاد بین آنگلساکسون‌ها موجب شد مقهور وایکینگ‌ها

شوند. وسکس در بین پادشاهی‌ها توانست خود را حفظ کند و در دوره آلفرد بزرگ، شاه وسکس، شاه آنگلساکسون‌ها خوانده شد و نوادگان او توانستند تمام انگلیس امروزی را از دست وایکینگ‌ها خارج کنند و عنوان شاه انگلیس در این مقطع ایجاد می‌شود. هر چند وایکینگ‌های

دریافت کردند و در آن ساکن شدند. البته بنظر می‌رسد پیش از فروپاشی روم، آنگلساکسون‌ها به بریتانیا مهاجرت کرده‌بودند ولی این اتفاق اخیرالذکر بود که یک حکومت به این شکل در بریتانیا مستقر کرد.



ساکسون‌ها در گذر زمان تصمیم به اشغال مناطق بریتانیا گرفتند. در نهایت بریتون‌ها و ساکسون‌ها با هم به صلح رسیدند و ولز به آن‌ها تعلق گرفت ولی انگلیس امروزی تحت سلطه آنگلساکسون‌ها و زبان و فرهنگ آن‌ها قرار گرفت. به‌نظر می‌رسد بسیاری از بریتون‌ها هم به

شدند. این مناطق شامل انگلستان و ولز و بخشی از اسکاتلند امروزی بود. در این دوره بریتانیا یکی از استان‌های روم شد. بعد از این اتفاق فرهنگ رومی در این مناطق چیره شد. در گذر زمان، با ضعف شدیدی که در مرکز روم رخ داد، بریتانیا به شدت از

سلطه روم خارج شد و امپراتوران روم دیگر نیرویی به آن‌جا نمی‌فرستادند و آن‌ها را کاملاً رها کردند. در این مرحله با وجود این که روم بریتانیا را رها کرد، باید به دست‌آوردهای آن اشاره نمود. جاده‌ها، ساختمان‌هایی با معماری رومی و شهرهایی چون منچستر، یورک و لندن و همین‌طور دین مسیحیت از یادگارهای روم بودند. با وجود رها شدن بریتانیا توسط روم، ساختار اجتماعی و اشراف کماکان رو می‌ماند. حال بریتانیایی‌ها استقلال کامل خود را کسب کرده بودند. منتها این خودمختاری برای بریتانیایی‌ها ارمغانی نداشت و آنها توسط پیکت‌ها و ایرلندی‌ها از هر طرف مورد یورش قرار

گرفتند. راهکار بریتانیایی‌ها برای حل این مسئله به کارگیری مزدوران بود. مزدورانی که آن‌ها استفاده کردند و قبل‌تر رومیان هم از آنان استفاده کرده بودند، آنگلساکسون‌ها بودند، مردمی که از شمال آلمان می‌آمدند. این‌ها پیکت‌ها را شکست دادند و در ازای این کمک بخشی از کنت را

دانمارکی دوباره در چند نسل بعد انگلیس را تسخیر می‌کنند. ^۱ بعد گذر چند نسل دوباره یک آنگلساکسون به نام ادوارد به شاهی رسید. حال

به نقطه‌ای رسیدیم که تحول اساسی زبان انگلیسی صورت گرفت. قبل از آن باید اشاره کرد که وایکینگ‌ها تاثیر زیادی بر زبان انگلیسی داشتند. شباهت‌هایی که بین دانمارکی و انگلیسی مشاهده می‌شود ناشی از این دوران بود. شباهت‌هایی که در نزدیک‌ترین زبان ژرمنی غربی به انگلیسی یعنی هلندی یافت نمی‌شود. البته باید به این نکته اشاره کنم که چه زبان‌های نورد و چه هلندی و چه انگلیسی که در این مقطع مدنظر داریم همه از زبان‌های شاخه بزرگ ژرمنیک هستند. گروه زبانی

(۱) وقایع این دوران بسیار از هدف این نوشتار دور است. باید اشاره کرد

که در این دوران یکی از وایکینگ‌های دانمارکی به نام کنوت، ادوموند، شاه انگلیس را شکست می‌دهد و شاه انگلیس نام می‌گیرد. او سپس پادشاهی دانمارک و نروژ را به دست خود می‌گیرد و امپراتوری دریای شمال را می‌سازد. یک نکته قابل توجه درباره کنوت این است که او بعد از آلفرد دومین نفری است که به او لقب بزرگ را داده‌اند.

ژرمنیک، خود یکی از شعب زبان‌های هندواروپایی است. بنابراین توجه به تفاوت‌های این دست زبان‌ها دقت نظر و آشنایی زیادی با این گروه

درصد کمی در نظر آید ولی باید به این هم توجه کرد که ۵۰ درصد واژگان هم‌ریشه نیز ممکن است از طریق همین حضور وایکینگ‌ها انتقال یافته باشد. در مورد

۱۴ درصدی هم که کاملاً به نورد کهن بازمی‌گردد، باید گفت که این‌ها واژگانی هستند که در انگلیسی روزمره بسیار استفاده می‌شوند. مطلبی که نشان می‌دهد که این دو زبان مدت زیادی در تعامل بودند و از هم تاثیر پذیرفتند. از نمونه این واژگان ضمیر سوم شخص جمع انگلیسی چون They, Them, Their egg, wing, bark, root, sky, anger, die, ill, rotten, ugly, leg, skin, bag, ball و بسیاری واژه دیگر یا حالت سوم شخص جمع افعال to be یعنی are از نورد کهن وارد همین مقدار در واژگان نشان دهد چه میزان

در انگلیسی تاثیر فراوان داشته است. درباره گرامر هم وارد جزئیات بیش‌تر نمی‌شوم اما قضاوت کلی این است که این تحولات موجب ساده‌تر شدن دستور زبان انگلیسی شدند. با تمام خشونت‌بار بودن حملات وایکینگ‌ها، آنها پس از سکونت، جمعیت

می‌طلبید. انگلیسی کهن و زبان نورد کهن با هم نزدیکی زیادی داشتند. واژگان ژرمنیک انگلیسی را اگر بخواهیم بررسی کنیم، ۵۰ درصد واژگان انگلیسی و نورد کهن هم ریشه‌اند و ۱۴ درصد کاملاً مربوط به زبان نورد می‌باشند. ۱۴ درصد شاید



انگلیسی و نورمن‌ها

۱۰۶۶ میلادی (۴۴۵ خورشیدی)



تاریخ انگلیس تغییری اساسی یافت. ویلیام با بر تخت نشستن ساختار اریستوکراسی انگلیس را کاملاً دگرگون کرد و به جای اشراف آنگلو ساکسون اشراف نورمن را نشانند. خود دربار نیز به زبان فرانسوی نورمن، زبان طبقه اریستوکرات شد و فقط رعایا و مردم معمولی به زبان انگلیسی سخن می‌گفتند. بنابراین واژگان فرانسوی توسط طبقه بالا استفاده می‌شد و کلمات انگلیسی توسط رعایا. این مورد را وقتی متوجه می‌شویم که می‌بینیم بسیاری از کلمات انگلیسی با معنایی مشابه دو واژه متفاوت دارند. مشاهده می‌کنید که خود حیوان

	
attorney	lawyer
judge	deem
beef	cow
chamber	room
pork	pig
mutton	sheep
liberty	freedom

واژه‌های انگلیسی دارد ولی گوشت آن لفظی فرانسوی و به تعبیری دیگر نورمن برابر خود دارد.

علاوه بر این باید خاطر نشان کرد از آن جا که مشاغل بالادست جامعه در دست اشراف جامعه است. بنابراین موارد مربوطه به قدرت، حکومت، دادگاه و بارگاه، واژگان فرانسوی زیادی

دوک نورماندی^۲، ویلیام حرامزاده، که از بستگان دور ادوارد بود و مدعی بود ادوارد، تاج و تخت انگلیس را به او قول داده نیز تصمیم به حمله به انگلیس گرفت تا حق خود را پس بگیرد.

طی نبرد استمفورد بریج، گادوینسون توانست هارالد را شکست دهد و دوران وایکینگ‌ها در انگلیس بالاخره پایان یافت. اما شادی این پیروزی دیری نپایید و تنها ۳ روز بعد، ویلیام به انگلیس رسید و لشکر خسته گادوینسون مجبور به رویارویی با لشکر ویلیام در هیستینگز شد. این نبرد که روند جالبی هم داشت که متأسفانه بحث درباره آن در این مقال نمی‌گنجد. در نهایت هارولد گادوینسون در نبرد کشته می‌شود و نورمن‌ها پیروز نبرد شدند. ویلیام پس از این نبرد، ویلیام فاتح خوانده شد. تنها طی یک هفته با این نبرد

این منطقه در فرانسه امروزی واقع است. در گذشته، وایکینگ‌ها به نام رولو به پاریس حمله کرد. او پس از به توافق رسیدن با پادشاه فرانکیای باختری، شارل ساده، در نورماندی ساکن شد و در برابر قول داد که برابر سایر وایکینگ‌ها که به فرانکیا وارد می‌شوند مقابله کند. خاندان رولو بعنوان دوک نورماندی تا مدت‌ها در این منطقه حکومت می‌کردند و از نظر عملی گاهی قدرتی برابر با شاه فرانکیا داشتند. ویلیام نیز در مقطع مورد بحث دوک نورماندی بود. از حیث جغرافیایی نورماندی در شمالی‌ترین نقطه فرانسه است و نزدیک انگلیس قرار دارد. این وایکینگ‌های ساکن در این بخش نورمن نام گرفتند و با گذر زمان فرهنگ و زبان فرانسوی را برگزیدند و راه و رسم اسکاندیناویایی را ترک کردند. ناگفته نماند که نورمن‌ها علاوه بر انگلیس در شکل‌گیری بخش عظیمی از تاریخ اروپا و تحولات آن نقش عظیمی داشتند.

آنگلو ساکسون را حذف نمی‌کردند یا خود را از آن‌ها جدا نمی‌کردند بلکه در بعضی موارد با هم از طریق ازدواج یکی شدند و این موارد موجب تغییرات شد. تغییراتی که منجر به ایجاد تئوری جدیدی شده؛ انگلیسی یک زبان ژرمنیک شمالی است و نه ژرمنیک غربی. نتیجتاً انگلیسی میانه هم از ریشه نوردس کهن است و هم تاثیرات زیادی از انگلیسی کهن پذیرفته. این تئوری البته مناقشه‌آمیز است.

حمله نورمن‌ها

دهه‌هایی هستند که در آنها هیچ واقعه‌ای رخ نمی‌دهد اما هفته‌هایی هستند که در آن‌ها به اندازه‌ی دهه‌ها واقعه رخ می‌دهد.

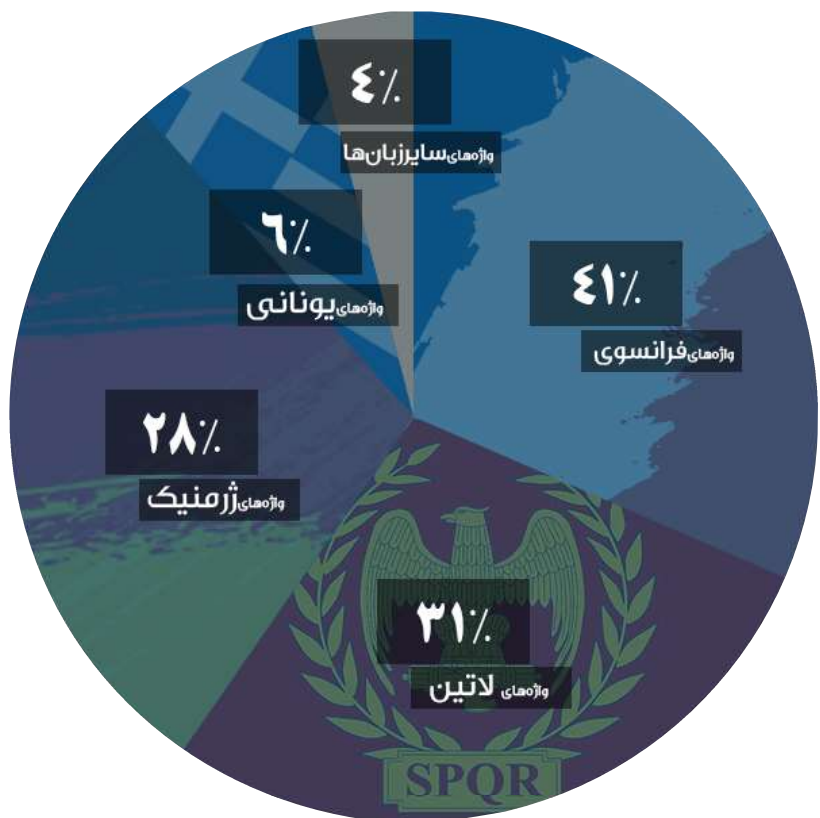
حمله بالا از ولادیمیر لنین کاملاً برابر با هفته‌ای است که در آن نبرد هیستینگز رخ داد. دو نبرد که یکی پایان دوران وایکینگ‌ها را در انگلیس رقم زد و دیگری برای همیشه حکومت آنگلو ساکسون‌ها در آن را خاتمه داد و زبان انگلیسی را به شدت تغییر داد. در قسمت پیشین مقاله به ادوارد اشاره نمودم که بعد از تسخیر انگلیس توسط کنوت، اولین شاه آنگلو ساکسون انگلیس نام گرفت. ادوارد ملقب به خستو، جانشینی از خود بر جای گذاشت و این منجر به رخ دادن بحرانی پس از مرگش شد. از طرفی یکی از اشراف قدرتمند انگلیسی به نام هارولد گادوینسون، خود را شاه انگلیس خواند. در کنار این پادشاه نروژ، هارالد نیز که قصد احیای امپراطوری دریای شمال را داشت، به انگلیس حمله کرد. از طرفی دیگر،

دارند. یک مثال جالب هم برای کسانی که با متون انگلیسی حقوقی آشنایی دارند، همین است که واژگان فرانسوی بسیاری در این متون دیده می‌شود که خود نشان از تاثیر زیاد پیروزی نورمن‌ها در هیستینگز دارد. این تغییر که در انگلیسی میانه رخ داد به انگلیسی نوین نیز اثر رسید. اکنون اگر بخواهیم دایره واژگان انگلیسی را بررسی کنیم به این صورت است:

لاتین طی دوران رنسانس وارد انگلیس شدند و تعداد زیادی نیز طی انقلاب علمی سده ۱۷ و ۱۸ ساخته شدند.) این حجم بالای واژگان رومانس باعث شده حتی عده‌ای از عوام گمان کنند انگلیسی، زبانی رومانس است. از طرفی خط آنگلو ساکسون‌ها حالت قبلی خود را از دست داد و کاملاً تعدادی از حروف ویژه حذف شدند چرا که دیگر آنگلو ساکسون‌ها سواد نوشتن نداشتند و نورمن‌ها بودند که

بعد حمله نورمن‌ها تحولی به این شکل رخ نداد. تحولات شکل گرفته سیری کاملاً طبیعی داشتند و البته تعدادی از آن‌ها به سبب نوشته‌های شکسپیر صورت گرفته و در سده‌های اخیر انگلیسی نوین را شکل دادند. زبانی که امروزه کمابیش همه با آن آشنا هستیم و این پذیرش عناصر مثبت زبان‌های مختلف بوده که انگلیسی را به این شکل ساده‌فهم‌تر کرده است و باعث شد تا بر خلاف سایر زبان‌ها در قرن اخیر افراد بیش‌تری را به خود جذب کند.

قضاوت نهایی در باب زبان رسمی کشورمان را به خود شما محول می‌کنم. آنچه ما تجربه کردیم بسیار پیچیده‌تر و پرماجرتر از انگلیسی بوده. ما هم بسیاری از موارد تاریخ انگلیس را تجربه کردیم و حتی در مواردی بسیار شدیدتر برخورد داشتیم. دیدیم که جایگزینی مفاهیم علمی و یا واژگان ثقیل به جای واژگان اصلی زبان، دلیلی جز ضعف زبان مادر دارد. زندگی ما به هر روی تحت تاثیر رویدادهای سیاسی گذشتگانمان است. بسیاری از واژگان ثقیل انگلیسی نیز دقیقاً همین ریشه فرانسوی را دارند که برای بسیاری از افراد خارج از رشته‌هایی چون حقوق نامأنوس است. دقیقاً همانند ایران و زبان فارسی. (البته نباید فراموش کرد که در متون حقوقی گویی علاقه بر این است که تا جای ممکن خوانندگان چیزی از مطلب نفهمند ولی دست کم انتظار می‌رود قانونی که مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد برای ایشان قابل فهم باشد نه اینکه آن هم کلمه کلمه‌اش در زبان معیار سال‌هاست به فراموشی سپرده شده است.)



زبان‌های فرانسوی و لاتین خود از زیرمجموعه زبان‌های رومانس به شمار می‌آیند و از این حیث درصد بالای دایره واژگان انگلیسی بیش‌تر به زبان‌های رومانس و یا لاتین شباهت دارد. (حجم بالایی از واژگان

مکاتبات را انجام می‌دادند و اینگونه خط جدید انگلیسی به بار آمد. اما در نهایت دستور زبان نیز نقش مهمی در تفکیک زبان‌ها ایفا می‌کند و از این نظر انگلیسی کماکان مشابه زبان‌های ژرمنیک است.